

مظالم

ترکان خاتون

حیدر علی کمالی

مقدمه و تحلیل

محمد یارسانسب

بازخوانی و ویرایش

مهری لطیفی



انتشارات
تذکره علم

سرشناسه : کمالی اصفهانی، حیدرعلی .
 عنوان و نام پدیدآور : مظالم ترکان خاتون/حیدرعلی کمالی؛ با مقدمه و تحلیل محمد پارسانسب.
 بازخوانی و ویرایش مهری لطیفی.
 مشخصات نشر : تهران: تمدن علمی، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۶۸ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۴۵-۸-۹
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : داستان‌های تاریخی
 موضوع : ایران -- تاریخ -- مغول و ایلخانان، ۶۱۶-۷۵۶ ق. -- داستان
 شناسه افزوده : پارسانسب، محمد، -، مقدمه نویس
 شناسه افزوده : لطیفی، مهری، ویراستار
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ م/۲۴م/۸۴ PIR
 رده بندی دیویی : ۸۶۳/۶۲:
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۱۱۴۷۳



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

مظالم ترکان خاتون

حیدرعلی کمالی

با مقدمه و تحلیل: محمد پارسانسب

بازخوانی و ویرایش: مهری لطیفی

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۳۳۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

مرکز پخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۴۵-۸-۹

فهرست مطالب

۱۹	۱- فرخ زاد
۲۹	۲- روشن ملک
۲۹	۳- لیلی بگم
۳۵	۴- محبس
۴۱	۵- خانه حاجب
۴۷	۶- یاس
۵۵	۷- مرگ

درآمدی بر رمان تاریخی فارسی

تاریخ و روایت تاریخی در همه حال مخاطبان خاص خود را دارد، به ویژه زمانی که در هیأت داستانی تخیلی عرضه شود. در سال‌های آغازین مشروطیت، در ایران رمان‌هایی نوشته شد که اگرچه ریشه در ادبیات کهن فارسی داشت، به شدت از ادبیات جدید اروپا تأثیر پذیرفته بود. این نوع ادبی که امروزه رمان تاریخی نامیده می‌شود، از یک منظر، ریشه در داستان‌های عامیانه فارسی، نظیر سمک عیار، داراب‌نامه، اسکندرنامه، ابومسلم‌نامه، بهمن‌نامه و امثال این‌ها داشت و از خیل آثار ادب رسمی نیز، با شاهنامه فردوسی، گرشاسب‌نامه اسدی و برخی کتب تاریخی، نظیر تاریخ بیهقی، پیوند می‌خورد و از سوی دیگر، از نظر فرم و تکنیک داستانی، شبیه رمان‌هایی بود که کمی پیشتر از زمان نگارش آن‌ها، از زبان فرانسه یا ندرتاً از زبان عربی، به فارسی برگردانده شده بودند؛ هم‌چون ترجمه آثار والتر اسکات، ویکتور هوگو، الکساندر دوما، پدر و پسر، از نویسندگان فرانسه و برخی آثار جرجی زیدان مصری. از این رو، رمان‌های تاریخی اولیه فارسی، اگرچه پیوندی استوار با ادبیات و

فرهنگ ایرانی داشتند، ظهورشان در این برهه زمانی (سال‌های پس از مشروطیت)، به شدّت، متأثر از ترجمه آثار اروپایی بوده است.

رمان تاریخی، هم در زادگاه خود، یعنی کشور فرانسه، و هم در ایران، نوع ادبی انقلابی به شمار می‌رفت و ارزندگی و خصلتی چندگانه داشت: نخست آن‌که تصاویری زنده و گویا از تاریخ گذشته، پرافتخار و غرورآفرین ملت‌ها عرضه می‌کرد؛ بر آگاهی تاریخی آن‌ها می‌افزود و حساسیت آن‌ها را نسبت به گذشته خود، برمی‌انگیخت؛ همین امر، باعث می‌شد تا نوعی از غرور مبتنی بر آگاهی در ملت‌ها ایجاد شود و به پیدایی حس وطن‌پرستی بینجامد. دیگر آن‌که، ملت‌هایی چون ملت ایران، با مقایسه گذشته پرافتخار با امروز رو در انحطاط، و با کندوکاو در چرایی این انحطاط، با نقد و انتقاد آشنا شدند و حکومت‌ها را با چالش‌های بزرگی روبه‌رو کردند. سوم این‌که، این رمان‌ها، از موضوعات متنوع تاریخی سخن می‌گفتند که چون با امروز فاصله داشت، خواندندان هیجان‌انگیز بود و چون، آکنده از حوادث پرنرنگ و لعاب تاریخی بود، طیف‌های مختلف خوانندگان کم‌سواد یا میان‌مایه را نیز به خود جلب می‌کرد؛ هم از این رو، ترجمه و نگارش رمان تاریخی در ایران، زمینه‌ساز توسعه کتاب و کتاب‌خوانی شد.

رمان تاریخی نویسی در ایران به چند دوره تقسیم‌پذیر است:

دوره اول، از سال ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۰ ش: در آغاز این دوره (سال ۱۲۸۴ ش)، نخستین رمان تاریخی فارسی، یعنی شمس و طغرای محمدباقر میرزا خسروی، در باره تاریخ عصر مغول به نگارش درمی‌آید و پس از چندی، با نوشته شدن سه رمان عشق و سلطنت

(۱۲۹۵ش) موسی نثری همدانی در باره تاریخ هخامنشی، داستان باستان (۱۲۹۹ش) محمدحسن خان بدیع، در موضوع حکومت کوروش هخامنشی و دامگستران (۱۳۰۰ش) صنعتی زاده کرمانی، پیرامون وقایع سال‌های پایانی حکومت ساسانی و ورود اسلام به ایران، پرونده این دوره بسته می‌شود. این دوره کوتاه، اما مهم را باید سرآغاز آشنایی ایرانیان با نوع ادبی رمان و پدیده رمان‌نویسی، به‌ویژه رمان تاریخی دانست و آثار پدیدآمده در این عصر را، باید جزو رمان‌های تاریخی اصیل اولیه، به شمار آورد. هدف اصلی این نویسندگان از پرداختن به تاریخ با رویکرد داستانی، غالباً بیدار کردن حس وطن‌دوستی، به یادآوردن مجد و عظمت ایران قدیم، و نیز آموزش تاریخ به کتاب‌خوانان بوده است.

دوره دوم، از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ش: در این فاصله بیست ساله، به دلیل تأثیرگذاری رمان‌های تاریخی نسل اول بر جامعه و آشنایی مخاطبان با محتوا و کیفیت این قبیل آثار، و نیز، اهمیت یافتن مطالعات تاریخی در نظر ایرانیان و حمایت‌های آشکار و پنهان حکومت پهلوی از این جریان فرهنگی، رمان‌نویسی و رمان‌خوانی گسترش می‌یابد و قریب به بیست عنوان رمان تاریخی نوشته می‌شود. این دوره، هم به لحاظ کمی و هم از جهت کیفی، دوره شکوفایی رمان تاریخی فارسی است. نویسندگان این دوره، علاوه بر دنبال کردن اهداف نسل اول، به جهات داستانی و هیجانی رمان‌های خود نیز نظر دارند و بیشتر از آن‌که وقایع تاریخی را موضوع کار خود قرار دهند، قهرمان‌پروری می‌کنند. از مهم‌ترین رمان‌های تاریخی این دوره‌اند: داستان مانی نقاش در باره زندگی مانی پیامبر و سلحشور در

باب زندگی اردشیر بابکان، هر دو از صنعتی زاده کرمانی؛ جفت پاک در باره فردوسی، از حسینقلی سالور؛ عشق و ادب در موضوع زندگی فردوسی از آزاد همدانی؛ شهربانو در باب رخدادهای تاریخ عصر ساسانی، از رحیم زاده صفوی؛ مظلّم ترکان خاتون در باره خوارزمشاهیان و لازیکا در باب حکومت ساسانی، از حیدرعلی کمالی؛ محمود افغان در راه اصفهان از حسین مسرور؛ و....

دوره سوم، از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش: در این دوره دوازده ساله، به دلیل روی کار آمدن پهلوی دوم و بازشدن نسبی فضای سیاسی کشور، رونق گرفتن داستان کوتاه و رواج بازار مطبوعات انتقادی، از رونق رمان تاریخی نویسی به شیوه پیشین کاسته می شود. در عوض، نوعی از رمان تاریخی پدید می آید که بیشتر وجه سرگرم کنندگی دارد و غالباً به صورت پاورقی مطبوعات و یا ضمیمه روزنامه ها منتشر می شود. این آثار، غالباً از غنای محتوایی کافی برخوردار نیستند و اطلاعات تاریخی بسیار و دقیقی در اختیار خواننده نمی گذارند. هم چنین به دلیل شتابزدگی در چاپ، از جهت تکمیک، زبان و ساختار هم، گرفتار ضعف هایی هستند. طیف مخاطبان این آثار نیز برخلاف آثار نسل اول، چندان جدی و کتاب خوان حرفه ای نیستند و بیشتر، این آثار را با هدف ارضای عطش هیجان و حادثه می خوانند.

دوره چهارم، از ۱۳۳۲ تا امروز: از سال ۱۳۳۲ش به این سو، رمان تاریخی فارسی دوره در پیش گرفته است:

برخی از رمان ها، هم چنان با هدف سرگرم کنندگی نوشته می شوند. موضوع این رمان ها یا به تعبیری دقیق تر پاورقی های تاریخی، گزارش دل و دلدادگی های عشاق بر بستر تاریخ است که

چون با هیجان‌ات تاریخی همراه می‌شود، خوانندگان فراوانی از طیف متوسط جامعه پیدا می‌کند. این گونه از رمان‌ها را می‌توان رمان تاریخی رمانتیک نامید و از نامبردارترین نویسندگان این طیف، از حسینقلی مستعان، شاپور آری‌نژاد، حمزه سردادور، ناصر نجمی، احمد احرار، صدرالدین الهی، اصغر الهی، ابراهیم فخرایی، صادق جلالی، ابراهیم زمانی آشتیانی و ... یاد کرد. البته در این میان هنوز نویسندگانی چون عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی و حسین مسرور حضور دارند، که هنوز به شیوه رمان تاریخی نویسان نسل اول می‌نویسند و در کنار جاذبه‌آفرینی‌های داستانی، به آموزش تاریخ، ارتقای فرهنگ و آگاهی جامعه نظر دارند.

طیف دوم از رمان‌های تاریخی، با صرف نظر از تاریخ قدیم، و پرداختن به تاریخ معاصر، و توجه به وجوه واقعی زندگی مردم، نوعی از رمان تاریخی واقع‌گرا را پدید می‌آورند که در عین شباهت به رمان‌های تاریخی و توجه به زمان تاریخی، از جنبه‌های واقعی رمان‌های رئالیستی نیز بهره‌مندند و هم از این رو، اغلب وجه انتقادی دارند. محمود اعتمادزاده (به.آذین) با نوشتن دختر رعیت (۱۳۳۱) به موضوع نهضت جنگل می‌پردازد؛ سیمین دانشور در رمان پرخواننده سووشون (۱۳۴۸) به ترسیم تاریخ ایران در جنگ جهانی اول روی می‌آورد و حوادث سیاسی-اجتماعی عصر را با داستان پیوند می‌زند؛ غلامحسین ساعدی در رمان توپ، تاریخ عصر مشروطه و حضور روس‌ها در منطقه آذربایجان را موضوع داستان خود قرار می‌دهد و در رمان غریبه در شهر (۱۳۶۹) به چگونگی شکل‌گیری مبارزه برضد متجاوزان روس در عصر مشروطه، توجه

می‌کند. رمان‌های سه‌گانه احمد محمود، یعنی همسایه‌ها، داستان یک شهر (۱۳۶۰)، و زمین سوخته (۱۳۶۰) در سه دوره متفاوت رخ می‌دهد؛ در نخستین رمان، سال‌های پرتحرک دهه ۱۳۳۰ تصویر می‌شود؛ داستان یک شهر، گزارشی است از دستگیری و تیرباران افسران سازمان نظامی و درخشان‌ترین تصویر ممکن از سال‌های پس از شکست ۱۳۳۲؛ و بالاخره، زمین سوخته، اوضاع شهرهای مرزی ایران در جنگ هشت‌ساله را گزارش می‌دهد. در تمام این رمان‌ها، زندگی مردم با تاریخ معاصر و وقایع عصر پیوند داده می‌شود. منصور کوشان نیز در رمان کوتاه محاق، تأثیر جنگ بر زندگی روشنفکران را توصیف کرده است. از دیگر تاریخی‌نویسان معاصر می‌توان اسماعیل فصیح، قاضی ربیع‌حای، مسعود بهنود را نام برد. رمان تاریخی واقع‌گرا زیرشاخه‌ای با عنوان رمان تاریخی واقع‌گرای ذهنی دارد که در آن، نویسندگان به جای پرداختن به چهره بیرونی وقایع تاریخی عصر، برخلاف آن چه در رمان تاریخی واقع‌گرای عینی می‌گذرد، به بطن و درون تاریخ رجوع می‌کند و میکوشد تا جوهر تاریخ را بازنماید. نظیر آن چه در شازده احتجاب گلشیری، سنگ صبور صادق چوبک؛ دل کور اسماعیل فصیح؛ شب هول هرمز شهدادی؛ قصه‌های کوچه دلبخواه از اسلام کامیه؛ نماز میت رضا دانشور، و دایی جان ناپلئون ایرج پزشکراد رخ می‌دهد.

با این مقدمات، می‌توان دریافت که رمان تاریخی، چگونه به نوع ادبی مقتدر و مسلطی بدل شده و پیوند محکمی با مسایل اجتماعی و سیاسی زمانه یافته است و به همین دلیل، از گذشته تاکنون، در میان اقشار مختلف جامعه، مخاطبان خاص خود را دارد.

مقدمه

حیدرعلی کمالی (تولد: ۱۲۴۸. ش در ابرقو - وفات: ۱۳۱۵. ش در تهران)، شاعر، نویسنده و منتقد مشروطه‌خواه، تا سن بیست و سه سالگی از تحصیل علم بی بهره بود. پس از آن، در مدتی کوتاه، خواندن و نوشتن فارسی را آموخت و به شعر و ادبیات علاقه‌مند شد و چون در گفتن شعر، صاحب ذوق بود، به انجمن ادبی اصفهان راه یافت. اشعاری سرود و در میان اقران خود به شهرت رسید. بعدها، به تهران آمد و با آزادی‌خواهان عصر مشروطه آشنا شد و همزمان با انقلاب مشروطه در ایران، وارد مبارزات سیاسی گردید و اشعاری تند و کوبنده در راه به دست آوردن مشروطه و آزادی سرود و در نشریات آن زمان، مانند بهار، ایرانشهر و ارمغان به چاپ رساند. شعر کمالی سرشار از روح سلحشوری، حمیت ملی و قومی بود و اشعار وطنی او تأثیر بسیاری بر اذهان مردم گذاشت. حیدرعلی کمالی در سال ۱۲۶۷ قمری، روزنامه پیکار را در تهران منتشر کرد. این روزنامه که ارگان حزب اجتماعیون اعتدالیون (سوسیالیست انقلابی) بود، پس از مدتی

تعطیل شد. پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹، وی مدت‌ها از سیاست کناره گرفت تا این‌که در مجالس نهم و دهم، به وکالت انتخاب شد. از آثار کمالی، علاوه بر رمان گونه مظلالم ترکان خاتون، رمانی دیگر با عنوان افسانه تاریخی لازیکا در دست است. عبدالحسین زرین‌کوب معتقد است که رمان تاریخی فارسی، از محمدباقر میرزا خسروی تا شیخ موسی نثری همدانی، یحیی دولت‌آبادی، صنعتی‌زاده کرمانی و رحیم‌زاده صفوی، تکاملی پیدا نکرده، مگر در آثار حیدرعلی کمالی. حسن میرعبادینی نیز، داستان‌های تاریخی کمالی را به سبب برخورداری از شم تاریخی صحیح و پرداخت زیبای شخصیت‌ها، ستوده است. از کمالی، علاوه بر آثار داستانی، دیوان شعری برجاست که به همت خان ملک ساسانی در استانبول به چاپ رسیده است. وی هم‌چنین، گزیده‌ای از دیوان صائب فراهم آورده است.

مظلالم ترکان خاتون

کمالی، این داستان تاریخی را نخستین بار در سال ۱۳۰۷ ش، در مجله آینده، شماره‌های ۱۹، ۲۱، ۲۲ و ۲۳، در ۴۳ صفحه به چاپ رساند. اگرچه کمالی در این داستان، واقعه جنگ سلطان محمد خوارزمشاه با مغولان را گزارش می‌دهد، اما محوریت داستان بر شخصیت ترکان خاتون، مادر سلطان محمد خوارزمشاه، نهاده شده است. علاوه بر این شخصیت زن، اشخاصی چون فرخ‌زاد، بی‌بی خانم، روشن‌ملک، سلطان محمد خوارزمشاه، و سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه نیز در داستان ایفای نقش می‌کنند.

خلاصه داستان:

در یکی از روزهای سال ۶۱۵ ق، جوانی به نام فرخزاد به شهر آباد و با صفای ری وارد می شود و در خانه بی بی خانم منجم فرود می آید. این جوان که از ذکور خانواده حسام الدوله تاش، سپهسالار نوح سامانی و غلام خاص سلطان محمد خوارزمشاه است، مأموریت دارد تا نظر بی بی خانم منجم را درباره سعد و نحس ایام و چگونگی اوضاع افلاک و سیارات، دریافت و به شاه ابلاغ کند تا شاید شاه که اینک نگران هجوم سپاه مغول است آرامشی یابد. بی بی خانم در پاسخ، نامه ای مبنی بر آشفتگی اوضاع می نویسد و از فرخزاد می خواهد که به طور شفاهی به شاه بگوید که باعث این همه بدبختی و هجوم دشمن، ترکان خاتون است که به دستور او سر تجار چنگیز را بریده اند. این جوان، به سبب ساده لوحی، عین پیغام بی بی خانم را به شاه ابلاغ می کند و در همان روز، به دستور ترکان خاتون، دستگیر و در قلعه اورگنج محبوس می شود. با حبس او، نامزدش، روشن ملک - دختر حاجب دربار - بیمار و بستری می شود. لیلی بگم، دایه مادر فرخزاد، بر آن می شود تا وسیله شفاعتی به دست آورد و فرخزاد را از زندان رهایی بخشد، ولی توفیقی نمی یابد. از طرف دیگر، هر روز بر وخامت اوضاع کشور افزوده می شود؛ سلطان محمد و پسرش جلال الدین از اورگنج بالشکری انبوه بیرون می روند تا در برابر چنگیز مقاومت کنند. سلطان محمد، خود در نیمه راه به نیشابور می گریزد و به مردم نیز فرمان فرار می دهد و پسر را در جنگ با چنگیز تنها می گذارد. لیلی بگم، در نهایت، برای رهایی فرخزاد به قلعه الموت

سفر می‌کند و از آن‌جا مدد می‌خواهد. لیکن در راه بازگشت بیمار می‌شود و می‌میرد. از سوی دیگر، ترکان خاتون، از سلطان محمد نامه‌ای دریافت می‌کند که در آن از او خواسته شده است تا افراد حرم‌سرا را برداشته با خود به ناحیه مازندران بشتابد. بنابراین، پیش از حرکت دستور می‌دهد نامداران محبوس در قلعه اورگنج را در جیحون بریزند. این فرمان اجرا می‌شود. روشن ملک نیز با آگاهی از مرگ فرخ‌زاد، خود را در آب می‌اندازد. با مرگ فرخ‌زاد، قهرمان شکست خورده داستان و دل‌داده‌اش، داستان پایان می‌گیرد.

کمالی در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: «اگر مورّخینی که تاریخ واقعیات ایران را نوشته‌اند کمی هم داخل در اخلاق و اوضاع اجتماعی شده و علل انهدام یا زوال سلطنت‌ها و فلسفه تأسیس و ایجاد حکومت‌ها را در جامعه جست‌وجو می‌کردند، هم مردم به نفع و ضرر خود بهتر پی برده و هم ما امروز برای به دست آوردن یک مطلب کوچک، این همه در تاریکی نمی‌رفتیم.» (ص ۵) پیداست که نویسنده قصد دارد دلایل بالندگی بعضی حکومت‌ها و علل انقراض برخی دیگر را تحلیل و در لابه‌لای آن، اوضاع و احوال زندگی مردم را تفسیر کند. به علاوه، حیدرعلی کمالی بر پوچ‌نگاری‌های تاریخ‌نویسان معترض است و برای کتاب‌های تاریخی، به نوعی مسئولیت اجتماعی قائل است تا با مطالعه آن‌ها، مردم، راه بهتر زیستن را بیابند و جامعه‌ای بهتر بنیان نهند. از این رو، یک‌راست سراغ مقطعی از تاریخ ایران می‌رود که نه تنها دوره افتخار نیست، بلکه عصر سرافکن‌گی و شکست ایران در برابر مغولان خون‌آشام نیز هست.



کمالی با پرداختن به این دوره تاریخی، داستان زنی بانفوذ و قدرتمند را بازگو می‌کند که مادر شاه است؛ مال و ملک بسیار دارد؛ شاهان و شاهزادگان را عزل و نصب می‌کند و در تصمیمات مهم سیاسی کشور دخالت دارد و در نهایت، با کشتن تاجران و فرستادگان سلطان مغول، راه را برای حمله مغولان هموار می‌سازد. پرداختن به این موضوعات، بخشی از جذابیت‌های نهفته در رمان تاریخی مظالم ترکان خاتون است.

داستان مظالم ترکان خاتون، جزو نخستین تجربیات رمان‌نویسی ایرانیان محسوب می‌شود؛ به همین دلیل، از پختگی و انسجام کافی برخوردار نیست. نکته دیگر این‌که، این داستان، در حقیقت، نه یک رمان تاریخی، بلکه یک داستان نیمه‌بلند تاریخی در چهل و سه صفحه است؛ از این رو، نویسنده هرگز فرصت شرح و بسط کامل وقایع را نداشته، به اجمال تمام از آن عبور کرده است. با این همه، در همین صفحات محدود و با تمرکز بر بخشی از زندگی ترکان خاتون و عشق دو دل‌داده (فرخ‌زاد و روشن‌ملک)، توانسته است داستانی خواندنی از اوضاع عصر خوارزمشاهی عرضه کند و از نقش زنان در حکومت‌های ایرانی - اسلامی، پرده بردارد.

نویسنده این کتاب نیز همچون سایر نویسندگان رمان‌های تاریخی، غالباً از جنبه‌های رمانتیک داستان‌های تاریخی، حادثه‌پردازی‌ها و هیجان‌آفرینی‌های کاذب این‌گونه آثار، برکنار نیست و بخش اعظم داستان خود را به گزارش شکوه و شکایت‌های دو دل‌داده، اختصاص می‌دهد. کمالی، چندان به شخصیت‌پردازی اعتقاد و یا از آن آگاهی

ندارد؛ مثلاً زنی همچون ترکان خاتون - که عنوان کتاب هم به نام اوست - در داستان نقشی فرعی ایفا می‌کند و در تمام داستان، تنها دو یا سه فرمان از سوی او صادر می‌شود. فرخزاد شخصیت اصلی دیگر داستان نیز که لازم است جوانی پرشور و مقاوم تصویر شود، شاهزاده‌ای سست‌عنصر معرفی می‌گردد که تنها آرزویش، به دست آوردن روشن‌ملک است. او اگرچه اصل و نسب خود را به زیاریان می‌رساند، لکن جوانی عافیت‌طلب است که تنها از امتیاز زیبایی، بلندبالایی و نجابت، بهره‌مند است. روشن‌ملک هم همین‌طور عاجز و درمانده است. او نیز به جای این‌که نماینده زنان ایرانی باشد و در برابر گرفتاری‌ها، شکیبایی ورزد، به سرعت عنان اختیار خود را از دست می‌دهد، بیمار می‌شود و هذیان می‌بافد و پس از مرگ دلداری خود را به جیحون می‌افکند و از این زندگی پست و بی‌مقدار که سقف و دیوارهایش را با تار و پود بدبختی ساخته‌اند، رها می‌شود.

نویسنده در مواردی و در جای‌جای داستان، با آوردن جملات و عباراتی خاص، به بیان عقاید خود می‌پردازد، از خرافه‌پرستی شاه و رعیت سخن می‌گوید که با اعتقاد به تأثیر کواکب و سیارات در سرنوشت انسان، دست از اقدام می‌کشند و با ضعف و زیبونی، میدان را به مغولان واگذار می‌کنند. در مواردی هم با اشاره به مبارزات کسانی چون جلال‌الدین خوارزمشاه، قایرخان و ...، به تحلیل تاریخ می‌پردازد و سلطان محمد را محاکمه می‌کند که با گماشتن چنین سرداران نالایقی، زمینه شکست خوارزمشاهیان را فراهم کرده است.